فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره پنجم (زمستان ۱۳۹۹)

تحلیل حقوقی وجه تمایز و نسبیت بین حقوق شهروندی و حقوق بشر در جامعه اسلامی

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

دکتر بهنام اسدی[۱]
مدیر عامل و صاحب امتیاز موسسه علمی آموزشی قانون یار
استاد دانشگاه

چکیده

به طور کلی حقوق شهروندی را می‌توان به مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه‌ی شهری تعریف نمود. حقوق شهروندی جز حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است. همچنین این حقوق غیر قابل انتقال و تجزیه‌ناپذیر است، به این صورت که عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگرند. همچنین باید توجه داشت یکی از موضوعات مطرح در حقوق عمومی، حقوق شهروندی است که از مباحث مهم نظام های دینی و غیر دینی است. حقوق شهروندی، منعکس کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه ای است که در آن هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه همراه با صلح، امنیت و رفاه برخوردار گردد. این حقوق توامان با پیدایش انسان بوده و با وجود او به وجود آمده است چرا که انسان موجودی است که کرامت خویش را از آفریدگار به ارمغان گرفته است. جایگاه حقوق و امتیازات شهروندان از مولفه های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر است. اساسا

[۱] ایمیل نویسنده Drbehnamasadi@yahoo.com

شماره تماس دفتر مرکزی قانون یار ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر محسوب می شود. شهروند در جوامع دموکراتیک به افرادی اطلاق می شود که تابعیت کشوری را دارا می باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است فلذا با این اوصاف می توان این سوال را مورد بحث و مداقه قرار داد که بین حقوق شهروندی و حقوق بشر چه رابطه ای وجود دارد و به ماهیت دقیق این دو واژه در عرض یکدیگر پی برد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، حقوق بشر، شهروند، حقوق اجتماعی، سیاست اقتصادی

بخش اول: کلیات

درجهان امروز موضوعی که بیشتر از همه چیز در محافل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و بین المللی مطرح می گردد و رسانه ها، نشریات و مطبوعات جهان نیز به آن اشاره می نمایند. موضوع حقوق شهروندی است. ارزش ذاتی این مقوله تا جایی است که آن را در شمار مباحث محوری حقوق معاصر قرار داده اند. نهضت انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی، فرصت بسیار مناسبی فراهم آورد تا برای اولین بار یک فقیه جامع الشرایط و برجسته که خود اقدام به تاسیس یک نظام سیاسی کرد، آرا و اندیشه ها و دیدگاه های خود را درباره مسائل مختلف حقوق مردم با بهره گیری از منابع فقه و در رابطه با جامعه سیاسی اسلامی ارائه دهد. در تحقیق و تتبع پیرامون هر موضوع گام اول آشنایی با مفاهیم آن موضوع می باشد.

بند اول: ماهیت حقوق شهروندی

هر فردی به صرف متولد شدن در یک سرزمین موقعیت و شان شهروندی را کسب می کند. ولی مهم این است که هر یک از شهروندان در مراحل رشد و بلوغ خود امکان آن را داشته باشند که با آنچه به آنها به عنوان شهروند تعلق دارد، آشنا شوند تا بتوانند هم در انتخاب هایشان و هم در شیوه عمل شان به اصول و مبانی زندگی جمعی، سیاسی و اجتماعی خود، به عنوان شهروند، نزدیک تر و هماهنگ تر باشند. در فرهنگ اسلام واژه‌هایی مانند: رعیت، امت، ملت، ناس و ابناء به چشم می‌خورد که با واژه شهروند، ارتباط نزدیکی دارند. در میان واژه‌های مذکور، واژه رعیت از نظر مفهوم و بار سیاسی – حقوقی از دیگر واژه‌ها به مفهوم شهروند نزدیکتر است. رعیت به معنای مسوولیت حاکم در برابر مردم، در زبان عربی بار مثبتی دارد(الا کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیته). اما مفهوم منفی آن

در زبان فارسی و خلط میان این دو معنا موجب شده است که از اطلاق رعیت به مردم در نظام‌های سیاسی امروز، معنایی منفی به ذهن خطور کند. رعیت در زبان فارسی به«گروهی که دارای سرپرست هستند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می‌کنند و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور اطلاق می‌شود[۱]». در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، مراد همان حقوق شهروندی امروزی است.

«ابتدا کلمه شهروند را می توان از حیث واژه شناسی تعریف کرد. شهروند از شهر می آید و سیته[۲] از واژه لاتینی سیویتاس[۳] مشتق است. سیویتاس در زبان لاتین تقریبا معادل کلمه پلیس در زبان یونانی است که همان شهر است که تنها مجتمعی از ساکنین نیست بلکه واحدی سیاسی و مستقل به شمار می آید. شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی شود. در رم همانند آتن کلیه ساکنان، خصلت شهروندی ندارند. آن کسی شهروند به شمار می آید که شرائط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی، در چارجوبه شهر داراست[۴]».بنابراین، در تعریف شهروند می توان گفت که شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می شناسد. و از آنها دفاع می کند، قانون را می شناسد و به آن عمل می کند و از طریق آن مطالبه می کند، از حقوق معینی برخوردار است. می داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور جامعه مشارکت دارد. پس شهروند نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص که به معنای مجموعه‌هایی از آگاهی های حقوقی، فردی و اجتماعی است. بعضی از صاحب نظران شهروند را اینگونه تعریف می کنند: «شهروند به افرادی اطلاق می شود که تابعیت کشوری را دارا می باشند و

---

[۱]- دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص۱۰۶۹۷.

[۲]- Cite

3- Civitas.

[۴]- پللو، روبر(۱۳۷۰). شهروند و دولت. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص۱.

به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی آن کشور به تصویب رسیده است. و به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می شود که به موجب آن امکان برخورداری از حقوق و قدرت را فراهم می کند[۱]». در رابطه با حقوق شهروندی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب هم باید گفت: از نظر ایشان انقلاب اسلامی مقوله شهروندی را در ایران احیا کرد. ما قبل از انقلاب اسلامی چیزی به نام حقوق شهروندی نداشتیم. آن چیزی که در ایران مطرح بود بحث ارباب، رعیت، عبد و مولا بود نه بحث شهروندی. لذا انقلاب اسلامی را بانی مقوله شهروندی معرفی می کنند و شهروندی که ایشان مطرح می کنند شهروند کریمانه و متعالی است که هم توجهی به حقوق انسانی آن مطرح می شود و هم تکالیف دینی که برای او کرامت ایجاد کرده اند. این مقوله دوگانه در هیچ فلسفه سیاسی در دنیای معاصر وجود ندارد. معمولا حقوق شهروندی در فلسفه سیاسی غرب حقوقی است که انسانها به صورت قراردادی و قرارداد اجتماعی و وضعیت طبیعی در جامعه پیدا می کنند و هیچ حق ماورائی و حق الهی که انسانها را متعالی کند، آن جا دیده نشده است. مقام معظم رهبری حقوق شهروندی را در مقوله هایی همچون حق زندگی، حق دادخواهی، حقوق انسانی، حقوق سیاسی و غیره می داند. ایشان در این زمینه معتقدند: البته کسی که دشمن نظام است، این طور نیست که نمی تواند در این نظام زندگی کند؛ نه. مخالفان اسلام می توانند در این نظام زندگی کنند؛ کسانی هم که اسلام را اصلا قبول ندارند، می توانند در این نظام زندگی کنند. اسلام نگفته که هر کس در پناه و سایه نظام اسلامی زندگی می کند، باید معتقد به اسلام و مبانی اسلام باشد؛ نه. زندگی کنند و از حقوق شهروندی و امنیت هم برخوردار باشند. اگر دزدی در خانه یک غیر مسلمان را بشکند و برود دزدی کند، آن دزد را هم مجازات می کنند. در مجموع، بین

---

[۱]- محسنی، رضا علی(۱۳۸۹)." ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰. ص۲.

کسانی که به نظام معتقدند و کسانی که مخالف نظامند، در حقوق شهروندی تفاوتی نیست. می توانند زندگی کنند[۱]. «در واقع شهروندی طرح‌ریزی سیستمی است اجتماعی برای تحریر دولت و مدیریت اجتماعی که بیش‌تر جنبه اجتماعی دارد، در این سیستم که رکن اساسی آن عضویت است، در کنار حقوق به مسئولیت‌های اجتماعی مانند دفاع از کشور، دادن مالیات و تبعیت از قانون نیز توجه خواهد شد. مسئولیت اجتماعی شهروند فقط منحصر به دولت نیست بلکه در مقابل شهروندان دیگر هم مسئولیت دارد. ارزش‌های این سیستم الزاما هنجاری نیستند، بلکه سرشتی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دارند یا به طوری که، شهروندی را به تاریخ و تحولات اجتماعی پیوند می‌زند[۲]».

بند دوم: بررسی ابعاد حقوقی حقوق شهروندی

هر نظام سیاسی بر اساس ماهیت، اهداف و ارزش های خود، مولفه های متفاوتی را برای حقوق شهروندی به رسمیت می شناسد و تعریف ویژه خود را از حقوق شهروندی ارائه می دهد. صاحب نظران برای شهروندی مولفه هایی قائل هستند. آنها با توجه به نوع نگاه خود، مولفه هایی برای شهروندی مطرح می کنند. فالکس، مسئولیت پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل نگری، احترام به اصول اخلاقی و توماس دی ، مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی محوری را از ویژگی های شهروندی می دانند. منکلر، احساس تعهد، برابری، کنجکاوی و ترقی طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت و غیره را از ویژگی های شهروندی می داند. از پایه های مفهوم شهروندی میتوان موارد ذیل را بیان کرد: اندیشه ورزی و ژرف اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه های مخالف، قانون گرایی و قانون پذیری، احساس خود ارزشمندی و عزت و اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم

---

[۱]- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، به نقل از سایت پرسمان دانشجویی- اندیشه سیاسی.

[۲]- فلاح زاده، علی محمد(۱۳۸۶). "نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر"، مجله حقوقی دادگستری، شماره۵۸. ص۵۹.

تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق در حل مسائل مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرات در ابراز اندیشه از ویژگی هایی است که به عنوان پایه های مفهوم شهروندی قلمداد می شود[۱]. از نظر کانت هم اموری هست که به عنوان صفات ذاتی و تفکیک ناپذیر یک شهروند به شمار می‌آید: «نخست، اختیار قانونی است که شهروند از هیچ قانونی اطاعت نمی کند، مگر قانونی که خود با آن موافقت کرده است.دومین موردی که ایشان به عنوان صفات ذاتی و تفکیک ناپذیر یک شهروند معرفی می کنند تساوی مدنی است به این معنی که شهروند با دیگران در وضعیت مساوی قرار دارد و هیچ تبعیضی میان شهروندان روا داشته نمی‌شود. سومین ویژگی استقلال مدنی است. هستی و بقای شهروند در جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست، بلکه نتیجه حقوق و استعدادهای خاص خود او به عنوان عضو جامعه مشترک المنافع است[۲]». به نظر نگارنده می توان از موار ذیل به عنوان مهمترین مولفه های شهروندی یاد کرد:

۱- قانون مداری: مقصود از قانون مداری حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه در جامعه و رعایت حقوق همه افراد می باشد. بنابراین، جامعه ای قانون مدار و قانونگرا محسوب می شود که قوانین در آن کاملا رعایت شوند و همه آحاد جامعه در برابر قانون مساوی باشند. «قانون عاملی است که زمینه انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می سازد. شهروند تلاش می کند تا قوانین را علیرغم اینکه مغایر با نفع شخصی او باشد، در زندگی به کار

---

[۱] مهر محمدی، محمود(۱۳۷۷). "آموزش و پرورش و جامعه مدنی"، مجله پژوهش های تربیتی، ج۶ ، شماره۳-۴.ص۲۱-۳۲.

[۲] کانت، ۱۳۸۰. به نقل از عیوضی، محمد رحیم، باب گوره، سیدحسام الدین(۱۳۹۱)." تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروندی جهانی"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره۴۲، شماره۳. ص۱۹۲.

گیرد. او هر گونه اعتراض به قانون را از مسیر گفتمان پی می گیرد. اما در ابتدا التزام عملی به قانون را وظیفه خود می داند».

امام خمینی(ره)، چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب، از قانون به عنوان بالاترین معیار در دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی یاد کرده است. مهم ترین دغدغه ایشان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی استقرار نظم و قانون در کشور بود. امام قانون را خط قرمز نظام و پشتوانه امنیت داخلی و وحدت ملی و استقلال کشور می دانست. ایشان به خوبی بر این امر واقف بودند که راه دستیابی به سعادت و مایه همه پیشرفت ها قانون مداری و حفظ حریم قانون است. امام می فرمایند: اگرهمه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سر تا سر کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلافات از راه قانون شکنی ها پیش می آید. اگر قانون حکومت کند در یک کشوری اختلافی دیگر نخواهد بود. چنان چه از صدر عالم تا کنون تمام انبیا برای برقرارکردن قانون آمده اند و اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند. ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم و از ائمه هدی بکنیم و به قانون هم عمل کنیم هم خاضع باشیم در مقابل قانون؛ قانون برای همه است. یکی از عوامل ایجاد جامعه قانون مند، قانون گرایی رهبران جامعه می باشد و اساسا قانون پذیری رهبران نقش محوری در گرایش مردم به قانون دارد. در جامعه دینی که رهبری آن را رهبران دینی بر عهده دارند و مردم از آنان الگو می پذیرند، قانون مندی آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از این رو معصومین(ع) برای فراخوانی مردم به قانون پذیری، خود خاضع ترین انسانها در برابر قوانین الهی بودند. قانون مندی در سیره و گفتار معصومان(ع) بدین معنا است که آنان قوانین الهی را عادلانه اجرا نموده و حقوق همگان را در سایه حاکمیت قانون خدا رعایت کرده و خود قانونمندترین انسانها بودند. پیشرفت و امنیت جامعه در گرو توجه و عمل به قانون است که نیاز است همه افراد جامعه آن را مد نظر قرار دهند. جامعه به مانند باغی بوده که دیوار آن شریعت و قانون است، اگر همه افراد جامعه قانون مدار بودند آن

جامعه در سایه امنیت، پیشرفت دارد. قانون‌مداری در همه ابعاد، یکی از اصولی است که گسترش عدالت در همه جای زمین را تضمین می‌کند. و طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قوانین جاری کشور که به منظور حل مشکلات مردم و راحت شدن امور و پیشرفت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه توسط نمایندگان مردم وضع می شود نباید در تعارض با قانون اسلام باشد. در اصل چهارم قانون اساسی آمده است: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. البته بر اساس قانون اساسی، در وضع قوانین و مقررات نظر اکثریت مردم ملاک است. و هیچ قشر خاصی حق قانون گذاری برای مردم ندارد.

۲- مشارکت: مشارکت از دیرباز یکی از ابزارهای زندگی انسان به شمار می رفته است. در فرهنگ لغت فارسی در معنای با هم شریک شدن و شرکت کردن با هم استعمال شده است. از نظر دکتر هاشمی مشارکت فرآیندی است که طی آن افراد، گروهها و سازمان ها در انجام طرحها و برنامه ها با هم به صورت فعال همکاری می کنند و مشارکت به معنای عام آن از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته است.

«جوهره اصلی مشارکت در حقوق شهروندی این است که آحاد ملت در تعیین سرنوشت خود از ریز تا کلان امور مشارکت داشته باشند. وقتی چنین امری در جامعه تحقق یافت، یک نظام مردم سالار در آن جامعه شکل می گیرد و حاکمیت ملی که عامل جمع اراده های ملت است، تحقق می یابد. این نظریه امروزه در قالب حق رای جامعه در انتخاب مسئولان کشور از مقام های محلی گرفته تا عالی ترین مقامهای اجرایی عینیت می یابد و در قالب رفراندم هم در مورد مسائل کلان و مهم کشور حضور خود را ابراز می دارد[۱]».

«مشارکت، دخالت دادن مردم در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که بر سرنوشت آنان اثر می گذارد. و همواره بر نقش مرکزی مردم در همه زمینه های

---

[۱]- خوئینی، غفور(۱۳۸۶). حقوق شهروندی و توسعه پایدار. چاپ اول. تهران: نشر فرهنگ صبا. ص۳۸-۴۰.

زندگی تاکید دارد. و نه تنها حیطه اقتدار حکومت را تهدید نمی کند، بلکه برای توانمندی نظام در مواجهه با مسائل و بحران های سیاسی موثرترین عامل است و استحکام نظام سیاسی را به دنبال دارد[۱]». اهمیت مشارکت بدین علت است که سبب بروز تعهد و خلاقیت می گردد.« میرز گفته است: مشارکت دادن هر فرد در برنامه ریزی، ارزشیابی و فراهم آوردن بازخورد مناسب، ممکن است سبب بروز تعهد و خلاقیت بیشتر در افراد شود[۲]».

بنابراین مشارکت دارای دو بعد فعال و غیرفعال است. مشارکت فعال حق شهروندان و مشارکت غیر فعال وظیفه ایشان تلقی می شود. منظور از شهروند فعال کسی است که مشارکت را حق خود و خویش را دارای اختیار می داند و در مقابل شهروند غیر فعال باید ملزم به انجام تکالیف و وظایف خویش شود. مشارکت مردمی که نوعی تمرکززدایی در اداره امور می باشد باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی- سیاسی می گردد. باید این نکته را مورد توجه قرار دهیم که «در نبود مشارکت فعالانه نمی توان انتظار این را داشت تا امور مملکت براساس آنچه که می خواهیم اداره شود. بنابراین یکی از وظایف مهم در هر جامعه ای مشارکت فعالانه مردم آن کشور در اداره امور مملکت است». برخی از ویژگی هایی که می توان برای یک شهروند فعال برشمرد عبارتند از: ۱- در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد.۲- در قبال وظایف و نقش هایی که به آنها واگذار شده است مسئولیت پذیر باشند. ۳- دارای حس وطن پرستی باشند.۴- از مشکلات و حوادث جاری جامعه آگاهی داشته باشد.

---

[۱]- حافظ نیا، محمد رضا، پارسائی، اسماعیل، حسین پور پویان، رضا(۱۳۹۰)."بررسی تطبیقی تاثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی(مطالعه موردی: خانه انصاف و شوراهای حل اختلاف)"، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره۷۷. ص۱۴۸-۱۴۹.

[۲]- کوشا، محمد مهدی(۱۳۸۷). مشارکت اجتماعی. چاپ اول. تهران: وزارت علوم، تحقیقات فناوری، معاونت فرهنگی اجتماعی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی. ص۱۶.

۳- مسئولیت پذیری: مسئولیت پذیری را می توان به عنوان سومین مولفه بیان کرد. ابتدا به معنای لغوی مسئولیت اشاره ای می کنیم و سپس مفهوم آن در حقوق شهروندی. در فرهنگ لغت فارسی در معنای آنچه انسان عهده دار و مسئول آن باشد از وظایف و اعمال آمده است. و در مقوله شهروندی درصدد بیان این واقعیت است که همان گونه که فرد در برابر اجتماع و دولت از حقوق برخوردار است، در مقابل تکالیفی را نیز به عهده دارد که باید آن ها را انجام دهد. در واقع، حق و تکلیف توامان اند و در مقابل حق، تکلیفی نیز وجود دارد. نه حق بدون تکلیف و نه تکلیف بدون حق.

«هر شهروند دارای مسئولیت‌های اجتماعی و فردی است. در مسئولیت های اجتماعی، شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمانها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود. صاحب نظران براین عقیده‌اند که اجتماعات محلی، و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و باز تولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. و در مسئولیت های فردی مثل رای دادن، حق رای در عین حالی که از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد. کسانی که رای نمی‌دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود. قبل از هر رای‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید بصورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد. یا در رابطه با حقوق دیگران واحترام به قانون، هر شهروندی می‌بایست از قوانین

اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند. هر شهروندی می‌بایست به حقوق دیگران احترام بگذارد[۱]».

بخش دوم: جایگاه حقوق شهروندی در اسلام

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی در درون خود تمام قواعد و سنت های بشری را دارد؛ که می تواند پاسخگوی تمامی نیازهای اساسی انسان و جامعه بشری باشد. از دیدگاه اسلام، خداوند انسان را موجودی شریف و نمونه قرار داده و مزایایی به او بخشیده است که سایر موجودات از آن محروم هستند. بر روی حق الناس تأکید ویژه ای وجود دارد به طوری که برحق الله مقدم شمرده شده است. در روایات اسلامی آمده است که خداوند از حق خود می گذرد اما از حق الناس هرگز. حتی درمورد غیر مسلمانان نیز اگر قصد فساد و عناد با اسلام نداشته باشند، اسلام اجازه تجاوز به حقوق آنان را نمی دهد. بنابراین اسلام بزرگترین حامی و واضع حقوق بشر است. آنچه که برای اسلام مهم است احیای حقوق بشر در پرتو حق است نه چیز دیگر. اولین مدعی حقوق بشر، خداوند بزرگ است. پس اصل هر حقی از جانب خداست و اوست که بر اساس مصالح و حکمتها، حقوقی را برای همه قرار داده است.«پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت نبی اکرم(ص) به مدینه النبی باز می گردد. و اولین جرقه های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان به وجود آمد. زیرا حقوق شهروندی زمانی موضوعیت پیدا می کند که حکومت و مردم هر دو شکل گرفته باشند. به عبارت دیگر دلیل حقوق شهروندی، تشکیل حکومت است. ایشان با الهام از آموزه های وحیانی، شاخصه های حقوق شهروندی را در میان شهروندان جامعه اسلامی به بهترین

---

[۱]- رضائی، وحیده، زرافشان، نسرین(۱۳).''حقوق و رفتار شهروندی''، معاونت اجتماعی، فرهنگی، و هنری شهرداری کلانشهر تبریز، بی تا. ص۶-۷.

نحو ممکن به اجرا در آورد[۱]». در رابطه با حقوق شهروندی در اسلام دو اصل مهم وجود دارد که به آنها اشاره خواهیم کرد: نخست: کرامت انسانی است که یکی از پایه‌های اعتقادی در نظام اسلامی است، این اصل انسان را موجودی با ظرفیت‌های بالایی از تکامل متصور می‌سازد که با توانایی نامحدود خود و استعدادی که خدای متعال در وجود وی نهاده است، می‌تواند تا بالاترین درجات کمال الهی رشد کرده و ارتقا یابد. در گفتار دوم از مبحث سوم توضیحات بیشتری درباره این اصل خواهیم داد. دوم: نظارت همگانی است. «اسلام مسئله نظارت را نه تنها وظیفه دستگاه حکومت یا شخص حاکم نمی داند، بلکه به کلیه مردم به منزله وظیفه قانونی، شرعی و تکلیف الهی آموزش می دهد که نسبت به سرنوشت یکدیگر علاقه نشان دهند چنانچه قرآن کریم می فرماید: در جامعه اسلامی هر فرد مسلمانی موظف است به اصلاح امور دیگران قیام کند و با تبلیغ و تشویق، خوبی ها را گسترش دهد و از بدی ها جلوگیری به عمل آورد[۲]».

کامل‌ترین نظام سیاسی، نظامی است که در درون خود عوامل تضمین بقا را داشته باشد و بتواند با عواملی که جزء عناصر آن نظام است، زمینه رشد عوامل منفی را در درون خویش منتفی سازد و از مصونیت ذاتی در برابر چنین خطرات عظیمی برخوردار شود و دین مبین اسلام به وضوح دارای این خصیصه پرفایده است. نظارت عمومی و همه مسئول هم بودن، به

---

[۱]- احمد زاده، ۱۳۸۴ : ۱۰۴، به نقل از موسوی بجنوردی، مهریزی ثانی(۱۳۹۲)." حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (ره)"، پژوهش نامه متین، سال پانزدهم، شماره۶۱. ص۶ .

[۱]- کوشا، محمد مهدی(۱۳۸۷). مشارکت اجتماعی. چاپ اول. تهران: وزارت علوم، تحقیقات فناوری، معاونت فرهنگی اجتماعی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی. ص۱۷.

۲- سوره بقره، آیه ۳۴.

[۳]- سوره یونس، آیه ۱۴.

نظام اسلامی این توانایی را می دهد، که به صورت مداوم سطح آگاهی‌های مردم و قدرت داخلی را تا آن حد بالا ببرد که هرگز قدرتش به فساد کشیده نشود. امروزه بحث نظارت برای جلوگیری از کج‌روی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از اشکال نظارت، نظارت شهروندان بر دولت و بر سایر امور است که در قانون اساسی نیز در قالب امر به معروف و نهی از منکر به رسمیت شناخته شده است. آنجا که سخن از تعیین سرنوشت، تاثیرگذاری، نقش داشتن و موثر بودن است؛ یعنی وضعیتی که هر شهروند به تنهایی و شهروندان در مجموع برای تحقق و حفظ آنچه برای حیات جمعی مطلوبشان ضروری است، تلاش می‌کنند، مقوله نظارت همگانی مطرح می‌شود. نظارت، از عناصر و ابعاد حقوق و به تعبیری وجه بارزی از مشارکت شهروندی است. به ویژه آنجا که بحث تعیین سرنوشت، تاثیر گذاری، نقش داشتن و موثر بودن مطرح است. هر فردی به صرف متولد شدن در یک سرزمین موقعیت و شآن شهروندی را کسب می‌کند. ولی مهم این است که هر یک از شهروندان در مراحل رشد و بلوغ خود امکان آن را داشته باشند که با آنچه به آنها به عنوان شهروند تعلق دارد، آشنا شوند تا بتوانند هم در انتخاب‌هایشان و هم در شیوه عمل‌شان به اصول و مبانی زندگی جمعی، سیاسی و اجتماعی خود، به عنوان شهروند، نزدیک‌تر و هماهنگ‌تر باشند. به نظر می رسد در مقام مقایسه جایگاه حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری، اسلام در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد. چون به انسان در مقام خلیفه‌اللهی، حقوق و آزادی‌های اجتماعی را داده و در عین حال او را مسئول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران دانسته است. در اصل، در نظام حقوقی اسلام به طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد. شهروندی به معنای برخورداری عموم اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است، به‌گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. مشخص است که توحید اسلام، توحید آزادی و آزادگی است؛ و تنها شکلی از خداپرستی است که به انسان یقین، آرامش و امید می بخشد و او را متعهد می سازد.

بخش سوم: ارتباط ماهوی و شکلی حقوق شهروندی و حقوق بشر

بند اول: مفهوم حقوق بشر

در ابتدا تعریفی از حق و حقوق ارائه می گردد تا متوجه شویم منظور از حقوق در حقوق بشر چیست؟ سپس تعریف حقوق بشر را از نظر صاحب نظران بیان می کنیم. سعی خواهد شد با توجه به نظرات صاحب نظران تعریف قابل قبولی از حقوق بشر ارائه گردد.حق در لغت دارای معانی متعددی است. از جمله به معنای مطابقت، موافقت، موجود ثابت، صدق، خلاف باطل و لایق آمده است و جمع آن حقوق است. حق واژه ای عربی است و معادل آن در زبان فارسی هستی پایدار و ثبوت است. یعنی هر چه از ثبات و پایداری برخوردار باشد. «روبیه، نظریه پرداز فرانسوی، حق را امتیازی می داند که به شخص اختصاص یافته است؛ امتیازی که اصولا قابلیت انتقال و اسقاط را دارد، همراه با حمایت قضایی است و به صاحب آن اختیار طرح دعوی را می دهد. پس پایه و اساس حق، نفع و امتیازی مانند ملکیت است که شخص می تواند در آن تصرف کند ». «حق یک رابطه حقوقی است که به سبب آن قانون به یکی از اشخاص این توانایی را می دهد تا به گونه ای تک و ویژه بر چیزی معین تسلط و چیرگی یابد(آن را تصرف کند) و یا از شخص دیگر انجام یا انجام ندادن چیزی یا کاری معین را بخواهد ». «برخی، خاستگاه و منشا حقوق را نیاز می دانند، بدین معنا که که نیاز انسان سبب می شود که حق پیدا کند و نسبت به آنچه بدان نیازمند است، ذی حق گردد ». از حقوق برداشتها و معانی زیادی مستفاد می شود که برخی از آنها عبارتند از: نخست: حقوق به معنای جمع حق است: در این معنا «حق به معنای توانایی یا اختیاری است که نظام یا نظم حقوقی هر کشور به اشخاص می دهد تا از مالی به طور مستقیم استفاده کنند یا اینکه انتقال مال یا انجام دادن کاری را از دیگران بخواهند ». دوم: حقوق به معنای مجموعه قواعد حقوقی است.«در این معنا حقوق مجموعه قواعد الزام آور و کلی است که به

منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود ». همچنین معنای دیگری که می توان برای حقوق برشمرد، نظام حقوقی یا نظام حقوقی یک کشور است. «این مفهومی از حقوق است که بیشتر جامعه شناسان با آن سروکار دارند. در این برداشت، حقوق یک نظام اجتماعی است که در داخل آن مجموعه ای از روابط اجتماعی – حقوقی، قواعد حاکم بر این روابط، نهادهایی که اجرای این قواعد را تضمین می کنند و سازمان های حقوقی که آن نهادهای حقوقی در چارچوب آنها به اجرا در می آیند وجود دارد ».پیدایش حقوق بشر در غرب را می توان محصول ضرورت‌های اجتماعی و محصول انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی علیه نظام های استبدادی دانست. به عبارت دیگر می توان گفت: حقوق جهانی بشر ناشی از ضرورت‌های پس از جنگ جهانی اول و دوم است. این اصطلاح پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات روزمره شده است. توسعه مفهوم حقوق بشر با طرح و مقبول شدن ایده های فلسفی و اخلاقی مختلف تاکید شده است و سرانجام، دست کم در منظر حقوقی، به استقرار قوانین و موسسات سیاسی و حقوقی بسیار پیچیده ای انجامیده است که مقصود از آنها صیانت و ارتقاء حقوق بنیادین همه انسان ها در همه مکان هاست. کارشناسان دو تعریف از حقوق بشر ارائه می دهند: نخست: تعریف عامی است که بیان می‌کند حقوق بشر حقوقی است که انسان بماهو انسان دارد. این تعریف از زمانی که فلسفه به وجود آمد، یعنی پنج قرن پیش از میلاد در تفکرات سیاسی متفکران یونان مطرح بوده است، از زمان سقراط، افلاطون، ارسطو تا زمان متفکران قرون وسطا مثل آگوستین و آکوئیناس تا دوران مدرن، و متفکرانی که در دوران جدید نقاد مدرنیسم بوده‌اند: یعنی دو گروه پست مدرن‌ها و جامعه‌گرایان. دوم تعریف خاص از این حقوق است که منظور همان حقوق بشری است که به شکل مدون در مجمع عمومی سازمان ملل مورد پذیرش قرار گرفت. و عبارتست از مجموعه اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و میثاقین ۱۹۶۶.

حقوق بشر با تصویب و لازم الاجرا شدن منشور ملل متحد، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و معاهدات گوناگون، که در سطح جهانی و منطقه‌ای بسته شده، مورد پذیرش دولت‌ها قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸میلادی طی قطعنامه ۲۱۷، از سوی مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد تصویب شد. از پنجاه و شش دولت عضو سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر با ۴۸ رای مثبت، ۸ رای ممتنع و بدون رای منفی، به تصویب دولت‌های عضو رسید. دولتهای عربستان سعودی، روسیه سفید، لهستان، چکسلواکی، آفریقای جنوبی، اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین و یوگسلاوی به این اعلامیه رای ممتنع دادند. در سال ۱۹۶۸میلادی نیز در کنفرانس جهانی حقوق بشر، نمایندگان ۸۴ دولت در تهران حضور یافته و اعلامیه تهران را پذیرفتند که تایید می‌کرد اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه اعضا را به آن متعهد کرده است. مجمع عمومی، این اعلامیه را به عنوان معیار موفقیت مشترکی برای همه اقوام و ملت‌ها معرفی کرد و از همه کشورهای عضو سازمان و کلیه ملل درخواست کرد تا شناخت و رعایت مؤثر حقوق و آزادی‌های مندرج در آن را ترویج و تامین کنند.از دیدگاه اسلام، حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه‌ای است که هر انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا و اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و هر عنوان دیگری بر او، از خداوند دریافت کرده است. بنابراین، حقوق بشر، حقوقی جهانی است. زیرا این حقوق، حق طبیعی و مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد بشر، در هر کجا با هر نژاد، زبان، جنس یا دین که باشد، از این حقوق بهره‌مند است و لازم نیست انسان این حقوق را کسب کند. و نکته قابل توجه این است که حقوق بشر هدیه الهی است و هیچ مقام بشری از قبیل پادشاه، حکومت یا مقامات مذهبی این حقوق را اعطا نمی‌کنند. حقوق ناشی از قانون

اساسی بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی به آن‌ها داده می‌شود، ولی حقوق بشر به معنایی که بیان شد، ذاتی است. نکته دیگری که می توان به آن اشاره کرد این است که حقوق بشر بخشی از حقوق است که هر انسان از آن جهت که انسان است، آن‌ها را دارا می‌شود. در برابر بسیاری از حقوق که بر مبنای حکمت الهی به انسان‌ها نه از آن جهت که انسان هستند، بلکه به جهت حکیمانه دیگری اعطا می‌شود. بنابراین برداشت‌ها از حقوق بشر همواره برخاسته از نگرش‌ها در نظام حقوقی بوده و نمی‌تواند جدا از آن باشد. پس در اسلام حقوق بشر جزء نظام حقوقی و در راستای اهداف آن قابل تبیین است. دکتر شریفی طراز کوهی، حقوق بشر را نوع خاصی از حق ها می داند که در بنیادی ترین و انسانی ترین مفهوم عبارت است از حقوق اخلاقی مهم و برجسته . به بیان دیگر «حقوق بشر هنجارهایی اخلاقی و قانونی برای حمایت از همه انسان ها به لحاظ عضویت آنها در خانواده بشری است. که این حقوق از کرامت ذاتی انسان نشئت می گیرند و در سطح بین المللی در اخلاقیات و قانون وجود دارند ». دکتر سید محمد هاشمی هم در کتاب حقوق بشر و آزادیهای اساسی تعریفی حقوقی از حقوق بشر ارائه می دهند و بیان می کنند: حقوق بشر عبارت از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است. که افراد، به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت های لازم، از آن برخوردار می باشند. این تعریف از دو بخش تشکیل می شود: یکی حقوق و امتیازات انسانی که در نظام حقوقی، با اعتراف به استعدادهای طبیعی و قابلیت افراد انسانی و با اتخاذ تدابیر لازم برای برخوردار ساختن این افراد از امکانات ضروری برای زندگی شایسته، شناسایی و وضع قواعد مربوط حقوق و امتیازات انسان و سامان دهی آن بیان می شود که به ترتیب عبارت است: ۱- حق حاکمیت انسان بر امور خویش، ۲- حق برخوردی انسان از امکانات زندگی و ۳- ساختار حقوقی حقوق و امتیازات انسان. و دیگری

تضمین حقوقی حقوق بشر است که قواعد حقوقی همزمان در مقام تبیین کننده و تضمین حقوق بشر خواهد بود .

بند دوم: لزوم تفکیک و جدایی دو اصطلاح حقوق بشر و حقوق شهروندی

تفکیک حقوق شهروندی و حقوق بشر پس از تبیین توضیح اجمالی مفهوم آنها کاری سخت نخواهد بود. حقوق شهروندی زیر مجموعه حقوق بشر است که آن نیز از مجموعه حقوق عمومی است. حقوق بشر می گوید: انسان ها با هر جنسیت، قومیت، رنگ و نژاد که به اختیار خود آنان نبوده و با هر مذهبی و هر سطحی از درآمد و تحصیلاتی، از حقوقی برخوردارند که طبق آن نباید زندگی(حق حیات)، آزادی، کرامت و احترام و حق تعلق آنان نقض و حتی خدشه ای وارد شود همچنین حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان نیز تا حد امکان تحقق یابد. یعنی حداقل دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بتوانند غذای کافی مصرف کنند. حال حقوق شهروندی در سطح ملی به دنبال تحقق حقوق بشر است. به عبارت دیگر حقوق بشر می خواهد که حقوق سیاسی و اقتصادی انسان ها با هر ملیت و قومیتی تحقق یابد. حقوق شهروندی هم به دنبال آن است که احترام و کرامت و امنیت شهروندان یک دولت تحقق یابد. بدین معنی که شهروندان بتوانند فارغ از مزاحمت های فردی، گروهی و حتی دولتی به زندگی آزاد درون اجتماع بپردازند. بنابراین حقوق بشر در سطحی فراملی است و حقوق شهروندی مخصوص شهروندان هر دولت است. وقتی صحبت از حقوق بشر می شود دیگر تقسیم بندی ایرانی و خارجی مطرح نیست اما وقتی صحبت از حقوق شهروندی می شود این سوال مطرح می گردد که حقوق شهروندی در کدام دولت؟ «مفهوم حقوق بشر اغلب در کنار دو مفهوم حقوق اساسی و حقوق شهروندی مطرح می شود این سه مفهوم گاه مترادف، جانشین یکدیگر به کار می روند. اما در تفکیک مفهومی

مرزهای ظریفی میان این مفاهیم وجود دارد[۱]». «برخی برای تفکیک حقوق بشر از حقوق شهروندی بیان کرده اند که حقوق بشر بیشتر به حقوق توجه دارد. در صورتی که حقوق شهروندی به تکالیف و مسئولیت ها نیز توجه دارد[۲]» دکتر محمدجواد جاوید، دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در بیان تفاوت میان حقوق بشر و حقوق شهروندی می‌نویسد: حقوق بشر به عنوان حقوق پایه و اولیه، تکلیف و تعهدی بنیادین است که مشروعیت آن به طرح و تصریح در قانون اساسی هم نیست و در صورت عدم طرح آن در قوانین هم، هر دولتی مکلف به آنهاست. اما حقوق شهروندی این‌گونه نیست. حقوق شهروندی تنها در یک رابطه حق و تکلیفی وضعی، قابل تحقق است؛ به این معنا که هر حقی برای شهروند به موازات آن تکلیفی برای او هم در پی دارد. به همین نسبت هر حقی برای دولت ، تکلیفی برای او هم به دنبال خواهد داشت. حقوق و تکالیف شهروندان و دولت در این چنین معادله‌ای با هم پیش می‌رود و هیچ یک تماما حق و دیگری تماما تکلیف نیست. طرف های حق در سیستم شهروندی عبارتند از اتباع دولت یا شهروندان و دولت. رابط هایی که این دو را به هم مربوط می سازد ماهیتی دو گانه دارد، زیرا دوسویه و حق، تکلیف مدار است. در واقع شهروندی طرح ریزی سیستمی است اجتماعی برای تحدید دولت و مدیریت اجتماعی که بیش تر جنبه اجتماعی دارد. در این سیستم که رکن اساسی آن عضویت است. در کنار حقوق به مسئولیت های اجتماعی مانند دفاع از کشور، دادن مالیات و تبعیت از قانون نیز توجه خواهد شد. مسئولیت اجتماعی شهروند فقط منحصر به دولت نیست بلکه در مقابل شهروندان دیگر هم مسئولیت دارد. به بیان دیگر، همه افراد در مقابل همه افراد مسئول هستند ارزش های این سیستم الزاما

---

[۱]- سمیعی،مهدی(۱۳۹۳)."حقوق شهروندی" نشریه حمل ونقل و توسعه، شماره۸۳. ص۷۳.

[۲]- امیرارجمند، ۱۳۸۵ :۱۰، به نقل از جاوید، محمد جواد، شفیع زاده خولنجانی، مصطفی(۱۳۹۳). "حق برمصلحت؛ چالشی میان حقوق بشر و حقوق شهروندی"، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و یک، شماره ۷۷. ص۱۲۳.

هنجاری نیستند. بلکه سرشتی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دارند. به طوری که شهروندی را به تاریخ و تحولات اجتماعی پیوند می زند[۱].

به نظر دکتر اردبیلی آنچه حقوق شهروندی را از حقوق بشر متمایز می سازد؛ سرزمینی بودن آن است. گستره این سرزمین ممکن است چند کشور را هم فرا بگیرد. مانند شهروند اروپایی یا شهروند کشورهای مشترک المنافع. اما حقوق شهروندی برخلاف حقوق بشر که همه انسان ها صرف نظر از نژاد، ملیت، دین و زبان از این حقوق بهره مند هستند محدود است. زیرا حقوق شهروندی فقط در رابطه فرد با دولت و جامعه سیاسی(دولت-شهر یا دولت-کشور) معنا پیدا می کند. در حالی که حقوق بشر حقوقی فرا گیر و بنیادی است.[۲]

در خصوص رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی و تفاوت های این دو، نظریات متعدد و متنوعی وجود دارد. عده ای هیچ تمایزی بین حقوق بشر و حقوق شهروندی قائل نیستند و معتقدند که این دو، موضوعا واحد هستند و تفاوتی بین آنها نیست. به عنوان مثال برخورداری از حقوق قضایی مانند حق داشتن وکیل، یا حق برخورداری از دادرسی عادلانه در هر دو یکسان است. همچنین سایر حقوق از جمله حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره. و نکته دیگر اینکه مخاطب در هر دو مورد، مردم هستند. به عبارتی این مردم اند که مخاطبان حقوق و صاحبان آن می باشند. فلذا از این حیث نیز مشابه و یکسان اند.

---

[۱]- جاوید، محمد جواد، ابراهیمی، محمود(۱۳۹۲). "تکالیف شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی"، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، سال دوم، شماره دوم. ص۱۲۶-۱۲۸.

[۱]- اردبیلی، محمدعلی(۱۳۸۶). "اقتراح: چیستی و چرایی حقوق شهروندی؛ از نظریه قانون"، مجله حقوقی دادگستری، شماره۵۸. ص ۳۰.

به نظر می رسد حقوق شهروندی، در حقیقت همان حقوق بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی فرانسه مطرح گردید و مشابهت آن دو آنقدر عمیق می باشد که تفکیک بین آنها دشوار است. البته برای تفکیک این دو مقوله بعضی از صاحب نظران و کارشناسان مواردی را ذکر کرده اند که به آنها اشاره خواهیم کرد: «مورد اول گیرنده یا دارنده آن است بدین معنی که دارنده حقوق بشر موجودی است که با عضویتش در جامعه انسانی به عنوان جهان وند از آن منتفع می شود در حالی که حقوق شهروندی متعلق به انسان هایی است که در یک دولت - کشور عضو می باشند. مورد دوم مخاطب آن است، حقوق بشر هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب قرار می دهد و توصیه و فرمان می دهد. در حالی که حقوق شهروندی اجتماع یا افراد خاصی را در محدوده یک کشور خطاب می کند. سوم، موضوع آن است، مفاهیم حقوق بشر عموما ما بعدالطبیعه هستند. از این رو کلی و دارای ابهام های اساسی هستند. اما حقوق شهروندی از آن رو که مستقیما با مردم و اجرا مواجه هستند دارای ابهام نیستند بر اساس همان مبانی حقوق ایجاد می شوند. دیدگاه دیگری هم بر عدم تفاوت بین حقوق بشر و شهروندی است. در این نظر از حیث ماهوی تفاوتی با هم ندارند و به نظر می رسد که این دیدگاه در قوانین موضوعه ایران نیز جاری شده است[۱]».

بخش چهارم: حقوق بشر از منظر امام خمینی(ره) و ارتباط آن با حقوق شهروندی

امام خمینی(ره) اسلام را مبین و موید حقوق بشر می داند و از طرفی، غرب را مدعی دروغین و پایمال کننده آن می خواند. ایشان از نظر اصولی با اعلامیه جهانی حقوق بشر موافق و آن را یک گام مهم در جهت اصلاح رفتار دولت مردان می دانند. اما نگاه کاملا

[۱] رزاق پور، یوسف(۱۳۹۰)." نگاهی به حقوق شهروندی"، ماهنامه کانون، شماره ۱۲۳. ص۹۱-۹۲.

انتقادانه‌ای نسبت به مبانی و موازین حقوق بشری غربی و به خصوص عملکرد دولت‌های غربی در حوزه حقوق بشر دارد. «عدم اعتقاد دولت‌های غربی به حقوق بشر، سو استفاده آن‌ها از حقوق بشر در جهت تأمین منافعشان، برخوردهای دوگانه و نقض حقوق بشر توسط خود غربی‌ها بر مبنای شواهد و قراین از جمله این نقدها است. ایشان تمسک به حقوق بشر از سوی قدرتها را برای مشروعیت دادن به دخالت های آنان در امور داخلی کشورهای اسلامی و نیز کشورهای ضعیف می دانستند و معتقد بودند حقوق بشر برای قدرتها به صورت جدی موضوعیت ندارد و فقط یک دستاویز است. ضمن آنکه با انتقادهای شدید به سازمانهای بین المللی که موضوعاتی از حقوق بشر را در دستور کار خود قرار داده اند، امیدوار بودند این انتقادها موجب توجه بیشتر به حقوق بشر شود. همچنین ایشان معتقد بودند تا زمانی که حق وتو برای پنج قدرت وجود دارد، حقوق قدرت ها در اولویت است و حقوق بشر در چنین نظامی جایگاهی ندارد. ایشان در بخشی از بیانات خود فرموده اند: «حقوق بشر می گوید که همه افراد یک ملت آزادند، در این که عقاید خودشان را بگویند، در این که سرنوشت خودشان را خودشان تعیین بکنند و غیره[۱]».امام خمینی(ره) در بخشی از یک سخنرانی، ده بار از اعلامیه و حقوق بشر نام برده اند، که گویای نظر مثبت ایشان به اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم نظر بسیار منفی ایشان نسبت به دولت هایی است که آن را امضا کرده ولی به مفاد آن پایبند نیستند. بخش مورد نظر چنین است: «ما همه بدبختی هایی که داشتیم و داریم و بعد هم داریم از این سران کشورهایی است که این اعلامیه حقوق بشر را امضا کرده‌اند. اعلامیه حقوق بشر را اینهایی امضا کرده‌اند که سلب آزادی بشر را در همه دوره‌هایی که کفیل بودند و دستشان به یک چیزی رسیده است کرده‌اند. سر لوحه اعلامیه آزادی حقوق بشر آزادی افراد است. هر فردی از افراد بشر آزاد

---

۲ صحیفه امام، ج۵، ص۲۴۸.

است، باید آزاد باشد. همه باید در مقابل قانون علی السواء باشند. همه باید آزاد باشند در محل شان، در شغل‌شان، در مشی شان باید آزاد باشند. اعلامیه حقوق بشر سرلوحه‌اش این مطلب است. از اول مسلمین بلکه همه بشر، از اول گرفتار اینهایی بوده‌اند که امضا کردند و تصویب کردند این اعلامیه حقوق بشر را. امریکا یکی از آنهاست که این را تصویب و امضا کرد. این مطلب که حقوق بشر باید محفوظ بماند. اینکه یکی از اصول حقوق بشر آزادی است. همین امریکایی که اعلامیه حقوق بشر را به اصطلاح امضا کرده است، شما ببینید چه جنایاتی بر این بشر واقع کرده است. در همین چند سالی که ماها یادمان است، و یک قدر زیادترش را من و یک قدر کمترش را به حسب جوانی یایی که دارید شما مشاهده کردید، چه گرفتاریهایی از برای بشر هست به دست امریکا، یکی از دولتهایی است که قضیه حقوق بشر را امضا کرده است. در هر مرکزی از مراکز مسلمین و غیر مسلمین یک مأموری نصب کرده اند و سلب آزادی از همه آن اشخاصی که در آن محیط هستند کرده اند. اینها می گویند: آزادند بشر! قضیه این چیزهایی که می‌گذرانند، که یکی‌اش هم همین اعلامیه حقوق بشر است، این برای اغفال است نه اینکه یک واقعیتی دارد. یک چیز خیلی خوش نمای با زرق و برقی را می‌نویسند، سی ماده می‌نویسند که همه‌اش موادی است که خوب به نفع بشر است، و یکی‌اش را عمل نمی‌کنند! در مقام عمل، یکی‌اش عمل نمی‌شود. این اغفال است؛ افیون است این برای توده‌ها، برای مردم[۱]». «همه این حرف‌هایی که این دولت‌های بزرگ می‌زنند و جامعه‌هایی درست کرده‌اند برای حقوق بشر، برای امنیت، برای چه؟ نه امنیتشان به امنیت آدم می‌برد و نه حفظ حقوق بشرشان به حفظ حقوق آدم می‌برد، همه‌اش برای این است که این ملل ضعیف را ببلعند[۲]. و در جای دیگر می فرمایند: این طرفدارهای حقوق بشر، این حقه بازها می‌خواهند همه منافع ماها را بدهند به

---

[۱]- صحیفه امام، ج۳، ص ۳۳۲.

[۲]-همان، صص ۵۱۹-۵۱۸.

ارباب‌هایشان[۱]. همه این حرف‌ها که می‌شنوید در آن طرف‌ها هست و این طرف‌ها هم از آن‌ها تقلید می‌کنند، همه برای این است که بچاپند این جامعه را ! برای چاپیدن است؛ برای اصلاح نیست[۲]».«اسلام هم حقوق بشر را محترم می شمارد، و هم عمل می کند. حقی را از هیچکس نمی گیرد. حق آزادی را از هیچ کس نمی گیرد. اجازه نمی دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آنها سلب کند». در هر صورت ما در یک محیط‌هایی واقع شدیم، در یک عصری واقع شدیم که عجایب و غرایب ما می‌بینیم! از آن طرف مردک دم از آزادی بشر می‌زند و حفظ حقوق بشر، از آن طرف می‌گوید که در مثل ایران دیگر حفظ حقوق بشر مطرح نیست! در یکی از فرمایشاتشان آقای کارتر این طور می‌گویند که در مثل ایرانی که ما یک منافعی داریم و قضیه سوق الجیشی است، این جا دیگر حقوق بشر مطرح نیست! حقوق بشر در جاهای دیگر مطرح است. سازمان عفو بین الملل اسم یک مشت از ممالک را ردیف کرده که این‌ها حقوق بشر را نقض نموده‌اند، در میان آن‌ها از آمریکا، فرانسه و شوروی خبری نیست و هیچ اسمی به میان نیامده، در حالی که شوروی در افغانستان و آمریکا در بیروت چه بساطی درست کرده‌اند، اسم آن را صلاح حال مردم گذاشته‌اند[۳]».برای بررسی درستی یا نادرستی ادعای غرب در دفاع از حقوق بشر، می توان گفت: یک دلیل غرب برای دفاع از حقوق بشر، می تواند این باشد که کشورهای غربی در رابطه با خود نیز پایبند معیارها و موازین حقوق بشر باشند. دلیل دیگری هم که می توان به آن اشاره کرد و می تواند بیان‌گر حسن نیت غرب در دفاع از حقوق بشر باشد، این است که اعمال معیارها و موازین حقوق بشری برای تمامی کشورها یکسان باشد. البته دلیل سومی هم وجود دارد، که می‌تواند درستی یا نادرستی ادعای کشورهای غربی در دفاع

---

[۱]- همان، ج۷، ص ۳۰۸.

[۲]- همان، ج۸، ص۳۳۲.

[۳] صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۹۶.

از حقوق بشر را نشان دهد، و آن این است که در جایی که دولت‌های غربی اقدام‌های به اصطلاح بشر دوستانه انجام داده‌اند، هیچ نفع و منفعت سیاسی برای آن‌ها وجود نداشته باشد. زیرا اگر غیر از این باشد، اقدام بشر دوستانه آن‌ها را می‌توان گامی در راستای رسیدن به نفع یا منافع سیاسی خاص تلقی کرد تا اقدامی در دفاع از حقوق بشر.بنابراین، اولا حقوق بشر در اندیشه امام خمینی(ره) عام‌الشمول است و بر همگان اطلاق می شود. و ثانیا گفته های ایشان گویای نظر مثبت ایشان به اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم نظر بسیار منفی ایشان نسبت به دولت هایی است که آن را امضا کرده ولی به مفاد آن پایبند نیستند. حقوق شهروندی، در اندیشه ایشان دقیقا منطبق با قوانین اسلامی بود. البته برای درک درست دیدگاه های امام در زمینه حقوق شهروندی و حقوق بشر لازم است به دقت نظرات ایشان را از ابتدای مبارزه علیه رژیم شاه تا سال هزار و سیصد و هشت مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم تحولات فکری امام قبل و بعد از انقلاب را در مباحث حقوقی بهتر شناسایی کنیم و معلوم شود که چه اقتضائات زمانی و مکانی در طرح دیدگاه ها اثرگذار بوده است و چگونه می توان بین مصادیق مختلف در یک موضوع ارتباط برقرار کرد و به نتایج مشخصی دست پیدا کرد.

نتیجه گیری

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود و منظور از واژه حقوق که در حقوق بشر بکار رفته است حقوق تشکیل دهنده نظام سیاسی و اجتماعی است، نه حقوقی که به لحاظ اخلاقی به عهده هرکس هست. مثلا اینکه فرزندان چه حقوقی برعهده والدین خود دارند و بالعکس، ربطی به مسئله حقوق بشر ندارد. قوانین حقوق بشر یکی از بخشهای قوانین و حقوق بین الملل است که بر اساس اصول و مبانی این قوانین و با نگاهی انسان دوستانه برای حمایت از گروههای مختلف اجتماعی و اقلیتهای قومی و مذهبی در مقابل تعدیات دولتها تهیه شده

است. معمولا تعهد صیانت از حقوق بشر بر عهده دولتها، سازمان های بین المللی و بین الدولی نهاده شده است و این دولتها به موجب قوانین اساسی و پیمانهای دسته جمعی جهانی التزام خویش را به رعایت این حقوق قبول نموده اند. در پایان با توجه به آن چه در خصوص مفاهیم حقوق بشر و شهروندی ارائه شد و همچنین، آن چه که در خصوص مرزهای دقیق میان این دو مقوله حقوقی آمد، باید بیان داشت که نسبت بین این دو مقوله عموم و خصوص مطلق است. یعنی حقوق بشر برتمام افراد صدق می کند. اما حقوق شهروندی فقط شهروندان یک دولت را در بر می گیرد. بنابراین حقوق بشر در سطحی فراملی است و حقوق شهروندی مخصوص شهروندان هر دولت است. وقتی صحبت از حقوق بشر می شود دیگر تقسیم بندی ایرانی و خارجی مطرح نیست اما وقتی صحبت از حقوق شهروندی می شود این سوال مطرح می گردد که حقوق شهروندی در کدام دولت؟ دیدگاه امام خمینی(ره)، در موضوع حفظ حریم خصوصی افراد هم منبعث از دیدگاه اسلام و قرآن است. که در آثار ایشان، به صراحت دیده می شود و اختصاص به زمان و مقطع خاصی ندارد. با بررسی در آثار امام خمینی(ره)، به ویژه در صحیفه امام می بینیم، توجه و دقت در حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی افراد ریشه در سیره نظری و عملی امام دارد و از اندیشه های ثابت و محکم ایشان است. کامل ترین نظرات ایشان در فرمان هشت ماده ای است که صادر کردند. هدف از این فرمان، حفظ و رعایت حریم خصوصی توسط نیروهای حکومتی بود. البته این فرمان در شرایطی صادر شد که عده ای به نام دین و اسلام به محل کار و منازل مردم هجوم می بردند و آنها را مورد هتک و توهین و آزار قرار می دادند که امام به شدت با آنها مخالف کردند. از دید امام خمینی اینگونه برخورد با افراد، خارج از ضوابط شرعی است و موجب فساد می شود و همانطور که در فرمان هشت ماده ای اعلام می کنند علاوه بر اینکه افراد را از توسل به چنین اقدامی به هر انگیزه ای باز می دارند

دولت را هم موظف به جلوگیری از این اقدام ها و مجازات متخلفین می کنند. امام خمینی(ره) با صدور این فرمان اولا افراد را از توسل به اقدامات خودسرانه باز میدارند و ثانیا دولت و قوه قضاییه را مسئول جلوگیری از اینگونه کارها می دانند. مبنای مخالفت امام با اقداماتی از این دست آن است که ایشان آنها را از مصادیق ظلم می دانند و از آنجا که از دید امام بزرگترین هدف اسلامی و انقلاب اسلامی برقراری عدالت است به شدت با آنها مخالفت و تاکید می کنند که حتی به نام دین هم این اقدام ها قابل توجیه نیست.

منابع و مآخذ

الف) کتب

۱- **قرآن کریم**(۱۳۸۱). خط عثمان طه. مترجم: مهدی الهی قمشه ای. چاپ دوم. انتشارات اسوه.

۲- آشوری، محمد و همکاران(۱۳۸۳). **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت**. چاپ اول. تهران: موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم شناسی.

۳- افروغ، عماد(۱۳۸۷). **حقوق شهروندی و عدالت**. چاپ اول. تهران: انتشارات سوره مهر.

۴- اکبری، حمید رضا(۱۳۹۲). **نگاهی به حقوق شهروندی**. بی تا. بی جا.

۵- الهی، غلامحسین(۱۳۸۵). **شبیخون فرهنگی و دفاع از دین نبوی(ص)**. چاپ اول. تهران: نسیم الهی.

۶- پرور، اسماعیل(۱۳۸۲). **گلبانگ عدالت**. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۷- پللو، روبر(۱۳۷۰). **شهروند و دولت**. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۸- تیلا، پروانه(۱۳۸۹). **شهروند، ملت و دولت مسئول**. چاپ اول. تهران: نشر خرسندی.

۹- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۱). مفاتیح الحیاه. چاپ چهل پنجم. قم: نشر اسراء.

۱۰- (۱۳۷۷). **حدیث ولایت.** (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری). تهران: تهیه و تنظیم و تدوین دفتر مقام معظم رهبری. سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۱- حمیدیان، حسن(۱۳۹۰). **مجموعه مقالات حقوقی- اجتماعی.** با مقدمه عباس کریمی. چاپ اول. تهران: نشردادگستر.

۱۲- حیدری نراقی، علی محمد(۱۳۸۵). **رساله حقوق امام سجاد(علیه السلام)**. شرح نراقی. انتشارات مهدی نراقی.

۱۳- خمینی، روح الله(۱۳۸۵). **صحیفه امام**. دوره ۲۲ جلدی. چاپ چهارم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ و نشر عروج.

۱۴- داستانی بیرکی، علی(۱۳۹۱). **مروری بر اندیشه های سیاسی – اجتماعی امام خمینی (ره).** چاپ اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). چاپ و نشر عروج.

۱۵- دستمالچیان، احمد(۱۳۹۰). **کلیات حقوق شهروندی**. اداره صیانت از حقوق شهروندی وزارت کشور.

۱۶- رنجبر، مقصود(۱۳۸۲). **حقوق و آزادیهای فردی از دیدگاه امام خمینی(ره)**. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۷- ساکت، محمدحسین(۱۳۷۶). **شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی**. چاپ دوم. مشهد: گوتنبرگ.

۱۸- سبحانی، جعفر،رضایی، محمد(۱۳۸۸). **اندیشه اسلامی۲**. چاپ چهاردهم. قم: دفتر نشر معارف.

۱۹- نوروزی، محمدجواد(۱۳۸۵). **فلسفه سیاست**. چاپ دهم. تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

۲۰- هاشمی، سید محمد(۱۳۸۴). **حقوق بشر و آزادیهای اساسی** . چاپ اول. تهران: نشر میزان.

۲۱- ورعی، جواد(۱۳۸۱). **حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان**. چاپ اول. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.

ب) مقالات

۱- ابن تراب، مریم(۱۳۸۵). "حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی(ع)"، فصلنامه ندای صادق، سال یازدهم، شماره ۴۱-۴۲.

۲- احمدی طباطبائی، سیدمحمدرضا(۱۳۸۸). "حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره۸.

۳- امیرارجمند، اردشیر(۱۳۸۵). "مبانی حقوق شهروندی و حقوق بشر"، اعتماد ملی، شماره۱۸۸.

۴- بابایی فرد، اسدالله(۱۳۸۹). "توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره۳۷.

۵- براتعلی پور، مهدی(۱۳۹۱)."نهاد گرایی سیاسی و ساختار شهروندی در آرمان خواهی دینی"، در مجموعه مقالات مروری بر اندیشه های سیاسی- اجتماعی امام خمینی(ره)، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ و نشرعروج.

۶- پورطهماسبی، سیاوش، تاجور، آذر(۱۳۹۰)."حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه"، پژوهش نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره دوم.

۷- پور عزت، علی اصغر، قلی پور، آرین، باغستانی برزکی، حوریه(۱۳۸۸)."رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفایت سازمان ها"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره۳۸.

۸- هاشمی، محمد و دیگران(۱۳۸۸). "حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره۵۰.